

نگاه

به حرمت نخستین واژه‌ای که آموختیم

ترکِ عادت کنیم

رویا مرادیزاده

۱. آمدنش به‌طور طبیعی خوشامدگویی می‌طلبید؛ فرحبخش است و دلگشا، به‌ویژه اگر مدتی از نیامدش گذشته باشد. چه عمودی و مایل قدم بردارد، راه بیفتد و باران نشود؛ چه افقی در قالب رودی، نه‌ری یا کاتال آبی، روان شده باشد. اما به همان میزان که برای بسیاری، خوشایند است صدای پایش می‌تواند نفسگیر باشد؛ گاهی لحظات ناخوشایندی که شاهد بیهوده آمدنش هستی آنقدر کش می‌یابد که مجبور می‌شوسی بد بگویی به همه آنانی که از سِرِ شاید ناآگاهی اجازه آمدنش را داده‌اند.

۲. مگر می‌شود، بی حساب‌و‌کتاب عنوان «نخستین» را به‌دست آورده باشی؟ مگر می‌شود از سر تصادف نخستین واژه‌ای باشد که آموختهایم. مگر می‌شود نخستین و دومین حرف الفبا را از آن خود کرده باشی اما آنقدر که شایسته‌اش هست در رتایش نسروده باشی و آن گونه که پایسته‌اش است با و رفقا ترک‌ده باشی؟ شده است دیگر...

۳. اهل فرهنگ می‌نماید؛ پیشینه‌اش این را نشان می‌دهد. کارگردانی، فیلمنامه‌نویسی و فیلمبرداری کرده است. سرپالتن طنز است و برطرفدار، من هم یکی از آن بیننده‌ها.

قسمت بیست‌ودوم سریال که می‌رمس جناب کارگردان شگفت‌زده‌ام می‌کند، دهان‌وامانده از اینکه یک نکته بسیار ساده و به همان میزان ضروری را به شکل فجیعی نادیده گرفته است؛ آخر مگر می‌شود از بین آن همه آدم پشت صحنه و جلو صحنه یک نفر نبوده باشی که بگوید داریم ظلم می‌کنیم به خودمان و آیندگانمان؟ مگر می‌شود یک نفر نبوده باشی حداقلی از حس مسئولیت‌پذیری را داشته باشی؟ مگر می‌شود یک کارگردان از تاثیر قوی و غیرمستقیم صحنه‌های فیلم بر ذهن و روان مخاطب به‌ویژه کودکان آگاه نباشد؟ پس چرا از ابتدا تا انتهای یک سالکس، بی‌وقفه و بدون هیچ توجیه و ضرورت تصویری، شیر آب را باز گذاشته است؟ نفسم بند می‌آید. آدم نمی‌دهم. بلم نمی‌آید ادامه سریال را ببینم اما با خودم می‌گویم اگر من کارهای بودم بدون شک سازندگان این سریال را به عنذرخواهی و پرداخت جریمهای سنگین ملزم می‌کردم! کارهای نیستم و خیالبافی هم راه به جایی نمی‌برد...

۴. تحصیل‌کرده‌ام است؛ می‌گویند در بهترین دانشگاه ایران دانش‌اندوزی کرده است. همیشه شاکی است از اینکه شیر روشویی خراب است، چون آب را می‌پاشد. با خودم می‌گویم هوش زیادی نمی‌خواهد که بلدانه هر شیریری را با بیشترین فشارش باز کنی! آتش همزمان سر به آسمان و زمین می‌ساید و شما هم که وسط آسمان و زمین هستیدی به‌یهره از آن نخواهی بود.

۵. شیلنگ را به شیر آب راهرو وصل کرده و با سرخوشی تمام دارد جلو منزل را به‌گمان خودش خنک می‌کند و گردوغبارش را می‌روبد. هورام بلند می‌شود؛ «مادر من! داری چیکار می‌کنی. مثل دارن از شلنگی می‌میرن تو به فکر خنک کردن آسماآلت داخل کوچهای؟» شیر آب را می‌بندد و در جوبلم می‌گوید: «گیرم من رعایت کردم بقیه همسایه‌ها را چه می‌کنی؟» از این پاسخ درمی‌مانم. حرفی برای گفتن نمی‌ماند. با خودم می‌گویم مشکل همین‌جاست دیگر. مشکل این است که همه دنبال معجزه‌ایم که نتجانمان دهد.

را فائحه‌جدبافتمه می‌دانیم و دلمان می‌خواهد دیگری رعایت کند و اگر ما نکردیم به‌جایی نبرخورد. واژه‌ای به نام «همبستگی» را باید فراخوانی کنیم که دوباره به چشم بیاید و به کار واردارممان...

۶. صدای گیرایی دارد؛ با حالتی طلبکارانه می‌گوید: «خانم من می‌خواهم کنترلور منزلم را تفکیک کنم. چه‌کار باید بکنم؟» دارم برایش توضیح می‌دهم؛ می‌پرد وسط حرفم و می‌گوید: «خانم اجازه بدید...» و شروع می‌کند به سه صحبت کردن. اجازه نمی‌دهم چون او اجازه نداده است جملهام را تمام کنم. می‌گویم: شما اجازه بدیدیا با همکارم صحبت کنید، به همکارم می‌گوید: «امن- هستم؟» گوینده رادیو فلان، «همکارم می‌گوید: شما هر که و هر کجا هستیید برای ما عزیزید. گوینده رادیو می‌گوید: «می‌خواهم کنترلور منزلم را تفکیک کنم.» همکارم شرایط تفکیک کنترلر را برایش توضیح می‌دهد و این گوینده رادیو هم می‌رود که کنترلور آب ساختمانشان را تفکیک کند تا راحت‌تر بتواند به استخر منزش برسد. با خودم می‌گویم ایران تشنه است و گوینده خوش صدای ما در فکر سیراب‌تر کردن استخر منزشان...

۷. ظاهراً رفتاری است فراگیر، کوچک و بزرگ نمی‌شناسد؛ تحصیلکرده و غیر آن هم این‌بار تمایزبخش نیست؛ هنرمند و غیرهنرمند هم در این زمینه بسیار به هم نزدیک می‌شوند. آب، استفاده می‌شود بی‌آن که حساسیت به‌جایی در شیوه استفاده از آن وجود داشته باشد. این سبک استفاده، تبدیل به عادت شده است.

فقط این را می‌دانم که ترک عادت به‌راحتی صورت نمی‌گیرد. اراده می‌خواهد. ارادای که با عوامل بازدارنده و تشویقی بیرونی، مانا نخواهد بود. ارادای می‌خواهد که درونی باشد، ارادای که پشتش این فکر خوابیده باشد که من به‌تنهایی تاثیرگذارم؛ من به‌تنهایی می‌توانم کاری کنم که شنگی، واژه‌ای غریب شود.

«دانش آموخته کارشناسی ارشد ارتباطات

خط ۶ مترو به ۲۰۰متری موزه هنرهای معاصر رسید

شرق: گویی همه‌های علیه تاریخ فرهنگی تهران آغاز شده؛ عمارت کلافرنگی قاجاری در غرق ماشین‌های عظیم ساخت‌وساز است، از محوطه تاریخی تئاتر شهر هر روز زالدیه سیمانی تازه‌ای سر بیرون می‌آورد و بسیاری از میدان‌های قدیمی شهر به‌خاطر کار گاه‌های مترو حذف یا مخدوش شده‌اند از خاطره شهر. این‌بار اما کارگاه مترو با عبور از زیر یکی از قدیمی‌ترین پارک‌های شهر که یادگار روزهای قاجاری تهران است در حریم دو موزه مهم هنری کشور قرار گرفته و احتمال تکرار فاجعه‌ای مانند تئاتر شهر غیرقابل چشم‌پوشی است.

مشاهده‌ خبرنگار «شرق» حکایت از آن دارد که خط ۶ متروی تهران با تخریب جنوب‌غربی پارک لاله، به محوطه پارک وارد شده و عملیات حفر تونل قطعه شمالی این خط در فاصله کمتر از ۲۰۰متری موزه هنرهای معاصر آغاز شده است. نگاهی به نقشه متروی تهران حاکی است که این ایستگاه پس از عبور مترو از پارک لاله به ایستگاه فاطمی در تقاطع خیابان فاطمی با خیابان ولیعصر(عج) خواهد رسید. بنابراین در خوشبینانه‌ترین حالت، تونلی که حفاری آن به‌زودی آغاز خواهد شد از فاصله‌ای کمتر از ۲۰۰متری موزه هنرهای معاصر خواهد گذشت. اما این شرایط تنها در صورتی اتفاق می‌افتد که شرکت متروی تهران، نقشه تاسیسات زیرزمینی پارک لاله را داشته باشد، اما از آنجا که مدیر روابط عمومی موزه هنرهای معاصر در گفت‌وگوی اختصاصی با «شرق» می‌گوید که مترو برای راه‌اندازی این کارگاه، هیچ هماهنگی‌ای با مدیریت موزه نداشته، بعید به‌نظر می‌رسد که شرکت متروی تهران اطلاعات درستی از موانع زیر زمین در این محدوده داشته باشد و بعید نیست به‌دلائل مختلف، عبور تونل از فاصله کمتر با حتی از زیر موزه اتفاق بیفتد.

شهرروزی است که تابلوی شرکت مترو بر سر در کارگاه ضلع جنوب‌غربی پارک لاله نصب شده که نشان می‌دهد این کارگاه، پروژه ساخت تونل قطعه شمالی خط ۶متروی تهران است اما توضیحات مدیر روابط عمومی شرکت عمران و مترو به «شرق»، متناقض با اطلاعات مندرج بر روی این تابلو است چراکه او تأکید دارد هنوز مسیر خط ۶مترو – به‌جز همان پنج‌کیلومتری که حفاری شده- مشخص نیست و این مکان تنها جهت کارگاه مترو در محل احداث شده و برنامه‌ای برای حفاری تونل هنوز تدوین نشده است.

با این حال به‌نظر می‌رسد بی‌تفاوتی تهرانی‌ها به نصب دیوار کاذب در حاشیه پارک لاله، بیش از هر چیز مربوط به سبیل تصرفات قانونی و غیرقانونی‌ای بوده که در تمام

جامعه

نگذاریم تجربه تلخ «تئاتر شهر» تکرار شود



این سال‌ها، این پارک تاریخی شهر را تکه‌تکه کرده. پارک لاله که بیش از ۲۷۱هزارمترمربع مساحت دارد بخشی از اراضی جلالیه بوده که در سال ۱۳۴۵ و با معماری منحصربه‌فرد «ژوفه»، معمار فرانسوی به پارک بدل شده

و در طول این سال‌ها به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ریه‌های تنفسی مرکز شهر، محلی برای گردهمایی بسیاری از اتفاقات مهم هنری و فرهنگی کشور بوده است. قرار گرفتن دو موزه مهم ایران (موزه هنرهای معاصر و موزه فرش) در بستر این پارک، آنجا اهمیت این پارک را دوچندان می‌کند که به‌گفته نوفرستی، مدیر روابط عمومی موزه هنرهای معاصر «بیش از هزاران اثر هنری منحصربه‌فرد در این موزه‌ها نگهداری می‌شوند و هرگونه صدمه احتمالی بر بنای این موزه‌ها می‌تواند به‌صورت غیرمستقیم بر آثار نیز اثر بگذارد».

نکته قابل توجه اینجاست که به‌گفته نوفرستی، تا به حال عبور تونل مترو از حریم موزه هنرهای معاصر بدون هیچ‌گونه توضیحی از سوی شرکت متروی تهران و مشاور و پیمانکار این طرح انجام شده، به‌طوری که حتی مسوولان موزه در این زمینه هیچ اطلاعاتی ندارند. ملائوروزی، رئیس موزه هنرهای معاصر هم در گفت‌وگوی اختصاصی با «شرق»

ضمن اعلام اینکه در جریان انجام چنین پروژه‌ای نیست از کارشناسان فنی خواست با بررسی ابعاد فنی و لزهای عبورمترو از محدوده موزه، از این مکان فرهنگی‌وهنری مهم پایتخت حمایت کنند.

موزه هنرهای معاصر که در سال ۱۳۵۶ راه‌اندازی شد نتیجه نبوغ کلمان دزیبا، معمار برجسته ایرانی بود که با تلفیق معماری سنتی و معماری مدرن به اثری ترکیبی و قابل توجه در بدنه شهری پارک رسید. در معماری این موزه، به همان اندازه که نگاه مدرنیستی معماری دخیل است، یادگرهای یزد، هشتی‌های معماری کهن ایرانی و راهروهای برگرفته از گره‌های قدیمی شهرهای تاریخی دیده می‌شود. موزه در طول این سال‌ها محل نگهداری مهم‌ترین گنجینه‌های هنری ایران بوده که برخی از آنها غیرقابل ارزش‌گذاری بوده و نگهداری از آنها برای میراث هنری جهان یک امر حیاتی به حساب می‌آید. در انبار این موزه که در پایین‌ترین سطوح این سازه و نزدیک به تونل احتمالی مترو خواهد بود، گنجینه‌ها با ارزشی از نقاشی‌های «کلود مونه»، «ونسان ون گوگ»، «پابلو پیکاسو»، «رنه ماگیت»، «اندی وارهول» و بسیاری دیگر از چهره‌های شاخص نقاشی جهان قرار

•

حساب می‌آید. در انبار این موزه که در پایین‌ترین سطوح این سازه و نزدیک به تونل احتمالی مترو خواهد بود، گنجینه‌ها با ارزشی از نقاشی‌های «کلود مونه»، «ونسان ون گوگ»، «پابلو پیکاسو»، «رنه ماگیت»، «اندی وارهول» و بسیاری دیگر از چهره‌های شاخص نقاشی جهان قرار

توسط وزارت علوم

ابطال فعالیت به «دانشگاه ایرانیان» ابلاغ شد

مهر: مدیرکل دفتر آموزش‌های غیردولتی و غیرانتفاعی وزارت علوم، اعلام کرد ابلاغیه ابطال آموزش‌وپرورش و سازمان برنامه‌وپروچه را در کارنامه خود دارد و هرجا ایشان مسسولیت داشته به‌خوبی انجام‌وظیفه کرده است. از طرفی کار با دانشگاهیان و تصمیم‌هایی که باید راجعه‌به امور دانشگاهی گرفته شود با ظرافت و لطافت خاص خود همراه است که این شیوه کار خوشبختانه در اخلاق فکری و عملی دکتر نجفی همیشه مشهود بوده است. میرزاده خاطرنشان کرد: او تصمیماتی که از جنس غیردانشگاهی باشد، نمی‌گیرد و می‌تواند موجب تداوم آرامش در دانشگاه‌ها باشد.

مدیرکل دفتر آموزش‌های غیردولتی و غیرانتفاعی و سابقه کارهای مدیریت کلان، از جمله تصدی وزارت آموزش‌وپرورش و سازمان برنامه‌وپروچه را در کارنامه خود دارد و هرجا ایشان مسسولیت داشته به‌خوبی انجام‌وظیفه کرده است. از طرفی کار با دانشگاهیان و تصمیم‌هایی که باید راجعه‌به امور دانشگاهی گرفته شود با ظرافت و لطافت خاص خود همراه است که این شیوه کار خوشبختانه در اخلاق فکری و عملی دکتر نجفی همیشه مشهود بوده است. میرزاده خاطرنشان کرد: او تصمیماتی که از جنس غیردانشگاهی باشد، نمی‌گیرد و می‌تواند موجب تداوم آرامش در دانشگاه‌ها باشد.

شمس اردکانی: زنجان‌ی برای نفت‌فروشی مجوز قانونی نداشت

تولید و اشتغال و عزت بازگرد.

۴ روال فعلی وزارت نفت برای برگرداندن پول‌ها در شرایط فعلی به نتیجه‌خواهر رسید؟
آنچه اعلام‌شد این است که در دولت جدید بلافاصله این نوع فروش نفت متوقف شد. برای بازپایافت موارد پرداخت‌نشده هم مسلم است که وزارت نفت دستگاه زنجان‌ی به بیشترین ضرر در این زمینه هم به‌بیشترین کاهش سرمایه‌گذاری در میدان‌های مشترک با همسایگان وقوع یافته است و نتیجه‌ای که به ذهن می‌رسد این است که گویا عده‌ای سعی داشتند بیشترین ضرر را به منافع ملی ایران بزنند و کاری کنند که جمهوری اسلامی ایران ندهتن‌لای بهای نفتی را که تحویل داده دریافت نکند بلکه همزمان میدان‌های نفت و گاز و به‌ویژه میدان‌های مشترک ما با همسایگان را از سرمایه‌گذاری محروم کنند. وقتی به این پدیده با تضییع صدهاییلارددلار درآمدهای ارزی نفتی و به همین مقدار درآمدهای ریالی ناشی از فروش داخلی نفت و گاز می‌نگرم به‌نظم می‌رسد گروهی «قطاع‌الطریق» برنامه‌ریزی کرده بودند که جمهوری‌اسلامی ایران به اهداف برنامه چشم‌انداز ۱۴۰۴ ن‌رسد. هدف اصلی سند به‌دست‌آوردن رتبه اول اقتصادی منطقه بود. متأسفانه اکنون درآمد سرانه ایران نصف ترکیه شده است. یکی از زشت‌ترین نتایج این رویکرد غمبار، عدم‌توانایی ایجاد شغل برای جوانان و به‌ویژه فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌است که با افتخار می‌کنیم سالانه بیش از کشور فرانسه فارغ‌التحصیل دانشگاهی داریم. امید آنکه دولت «تدبیر و امید» همچنان که فرصت را از تجار تحریم گرفته، به‌جای خرج درآمدهای ریالی فروش داخلی و خارجی نفت و گاز، آنها را در چرخه سرمایه‌گذاری ملی برگرداند که بخشی از دوری از اهداف برنامه چشم‌انداز ۱۴۰۴ که مقام‌مظهرهبری ۱۰سال پیش ابلاغ کردند به جوی

شن

مصاحبه

مدیرعامل جمعیت خیریه «تولد دوباره»:

تلقی ۲برابردن اعتیاد زنان مبنای علمی ندارد

خبرآنلاین: جندی پیش معاون رییس جمهوری در امور زنان و خانواده از افزایش میزان اعتیاد زنان خبر داده بود که مدیر عامل جمعیت خیریه به تولد دوباره» آن را رد می‌کند. «مراجعه به آمار نشان می‌دهد نرخ رشد اعتیاد در زنان بیشتر از مردان است و از پنج‌درصد در سال ۸۵ به ۱۰درصد در سال ۹۰ افزایش یافته است. واقعیت این است که اعتیاد زنان وابسته به جریان اعتیاد در کشور است و نمی‌توانیم آن را مجزا از سیاست‌های کلی در این زمینه در نظر بگیریم.» این آمار توسط شهیندخت مولاردی معاون رییس‌مهیوری در امور زنان و خانواده در هشتمین کنگره بین‌المللی «دانش اعتیاد» بیان شد که از دوبرابردن میزان اعتیاد زنان حکایت داشت.

اما عباس دیلمی‌زاده، مدیرعامل جمعیت خیریه «تولد دوباره» ضمن رد این آمار معتقد است اعتیاد زنانه نشده و بالا‌رفتن آمار زنان معاد به‌دلیل افزایش تعداد مراکز درمانی ویژه زنان و مراجعه بیشتر آنها برای درمان اصولی و علمی است.

۴ اینکه در ماه‌های اخیر بعضی مسوولان اعلام کرده‌اند اعتیاد به سمت زنانه‌شدن در حرکت است چندر صحت دارد؟

به‌نظر من این ادعا که اعتیاد به سمت زنانه‌شدن رفته است، مبنای درستی ندارد. کسانی که این نظر را مطرح می‌کنند، استنادشان به آمار آنها اطلاعات به دست آمده از آمارگیری سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۹۰ را با هم مقایسه می‌کنند و چون در سال ۱۳۸۶، نسبت زنان معاد به مردان پنج‌درصد بوده و در سال ۱۳۹۰ به ۹/۴درصد رسیده است، می‌گویند اعتیاد زنانه شده در حالی که اظهارنظرهای اینگونه مبنای علمی ندارد.

۴ پس این آمار در مورد زنان معاد را که از پنج‌درصد در سال ۸۵ به ۱۰درصد در سال ۹۰رسیده است چگونه می‌توان تعبیر کرد؟

در این آمارگیری‌ها، نمونه‌گیری بر اساس مدل «ماهی نئسان‌دار» انجام شده است. کسانی که با آمار و ریاضی سروکار دارند این شیوه را به‌خوبی می‌شناسند. این روش معناداری که به مراکز درمانی مراجعه می‌کنند، نشان‌دار می‌شوند و بعد از طی این مرحله تعداد آنها در کل جامعه سنجیده می‌شود که بر اساس این محاسبه تعداد معتادان را اعلام می‌کنند. نشان‌دارشدن یک معاد به مراجعه او به مرکز درمانی بستگی دارد بنابراین اگر این نکته را در نظر بگیریم که در سال ۱۳۸۶ تعداد مراکز درمانی ویژه زنان حتی به تعداد گشتان یک دست هم نمی‌رسید، طبیعی است تعداد زنان مراجعه‌کننده به این مراکز کم باشد، در حالی که در سال ۱۳۹۰ سرمایه‌گذاری‌های خوبی در این حوزه انجام شد و با حمایت ستاد مبارزه با موادمخدر تعداد مراکز درمانی زنان افزایش خوبی پیدا کرد و تعداد زنان معاد مراجعه‌کننده به این مراکز هم بیشتر شد. این افزایش مراجعه هم باعث افزایش آمار اعتیاد زنان یعنی افزایش ماهی‌های نشان‌دار شد.

۴ پس به اعتقاد شما اعتیاد زنان افزایش دوبرابری نداشته است و اعتیاد به سمت زنانه شدن حرکت نمی‌کند؟

به هیچ عنوان؛ قبول ندارم که اعتیاد زنان دو برابر شده یا اعتیاد به سمت زنانه‌شدن در حال حرکت است. هنوز هم مشاهدات میدانی ما در مراکز درمانی و سطح جامعه نشان می‌دهد غالب مصرف‌کنندگان موادمخدر در کشور را مردان تشکیل می‌دهند و زنان جامعه بخش بسیار کوچکی از این جامعه را تشکیل می‌دهند. توجه‌نکردن به همین مساله ساده و البته مهم باعث شده برخی مسوولان گمان کنند که اعتیاد زنان افزایش پیدا کرده اما واقعیت چیز دیگری است. این افزایش آمار نشان‌دهنده آن است که زنان کمتری در سال ۱۳۹۰ اعتیاد خود را پنهان کرده و جرات یافته‌اند برای درمان بیماری‌شان به مراکز ترک اعتیاد مراجعه کنند در حالی که در سال ۱۳۸۶ به علت نبود مراکز تخصصی درمان زنان، به‌بیشتر آنها در خانه برای ترک اقدام می‌کردند و از طریق شیوه‌های غیراصولی و غیرمعمول تلاش می‌کردند اعتیاد خود را کاتر بگذارند. دوبرابردن آمار اعتیاد زنان در مدت چهارسال اصلا منطقی به‌نظر نمی‌رسد و این اتفاق تا به حال در هیچ جای جهان مشاهده نشده و مبنای علمی ندارد.

خبر

دفاع کالیاف از عملکرد خود در حوزه زنان

● ایستنا: شهردار تهران گفت: جامعه زنان باید توجه کند که به شعارزدگی و اقلسالاری و رفتارهای سیاسی، مشکلات زنان در جامعه قابل درک‌فصل نیست، اما به حضور کمی و کیفی زنان مدیریت‌م و در این جهت تلاش می‌کنیم. محمداقراقالیباف، شهردار تهران با اشاره به موضع‌گیری‌های رسانه‌ها در چند ماه اخیر در مورد سخنانش افزود: در ماه‌های اخیر به بهانه‌های مختلف و بی‌اساس، انتقاداتی در حوزه زنان به بنده و شهرداری تهران شده است، اما این انتقادات واقعاً هیچ اساسی نداشته چون متن صحبت‌های من روشن و مشخص است. وی در عین حال اظهار کرد: هویت اسلامی، کرامت زنان در جامعه، فرهنگ ایرانی اسلامی، تربیت خانوادگی، غیرت ما و عفت و حرمت زن، اجازه نمی‌دهد برخی کارها را به زنان واگذار کنیم، این کار به‌معنای ایجاد برابری بین زن و مرد نیست.